

پذیرایی ترکی از آیت‌الله ایرانی

لائیک بودن حکومت و دشمنی با مصطفی کمال آتاتورک رهبر جمهوری ترکیه به دلیل دشمنی آشکار با اسلام، دربار پهلوی را بر آن داشت ...



لائیک بودن حکومت و دشمنی با مصطفی کمال آتاتورک رهبر جمهوری ترکیه به دلیل دشمنی آشکار با اسلام، دربار پهلوی را بر آن داشت تا از این مسأله سوءاستفاده کند و برای ساکت کردن رهبر نهضت اسلامی ایران، او را به خانه ای در خیابان عجم در شهر بورسا رو به روی ساختمان سازمان میت تبعید کند و مجبور کند به سبک روحانیون سنی ترک، پالتو و شلوار و کلاه اسپانیایی به تن کند.

به گزارش اسنا، امه؛ ۲۱ آبان نجاه هفتم، ساله؛ تعهد ننانگذا، حمصه، ی اسلامه، امان به تکه د، سال ۱۳۴۳ است. اسدالله علم زمينه

اسدالله علم که به بهانه اصلاح قانون انتخابات از محمدرضا شاه خواست در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ به عمر سه ماه و ۱۲ روزه سومین دوره مجلس سنا و بیستمین دوره مجلس شورای ملی پایان دهد، یک روز بعد از افتتاح همزمان بیست و یکمین دوره مجلس شورای ملی و چهارمین دوره مجلس سنا در تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۴۲ «لایحه مصونیت مستشاران نظامی آمریکا در ایران» معروف به لایحه کاپیتولاسیون را در دولتش تصویب کرد.

لایحه مزبور ۱۰ ماه بعد در مرداد ۱۳۴۳ به عنوان اولین مصوبه توسط چهارمین دوره مجلس سنا تصویب شد. نارضایتی شاه از اسدالله علم نخست وزیر وقت رژیم بعد از تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس سنا شدت گرفت و منجر به برکناری وی و انتصاب حسنعلی منصور رییس حزب ایران نوین به عنوان نخست وزیر جدید شد. ارادت ویژه منصور به محمدرضا شاه و در اختیار داشت اکثریت مجلس بیست و یکم، کار او برای تصویب لایحه کاپیتولاسیون در این مجلس را آسان کرد.

ناصر یگانه وزیر مشاور در امور پارلمانی نخست وزیر بعد از حضور بی مقدمه و بدون اطلاع نخست وزیر و اعضای کابینه در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۴۳ در صحن علنی مجلس، از جا بلند شد و با قید سه فوریت تقاضای تغییر دستور کار مجلس را مطرح کرد که با موافقت نمایندگان با درخواست تغییر دستور، لایحه کاپیتولاسیون در دستورکار نمایندگان قرار گرفت.

در همان روز، مجلس دو شیفت چهار ساعته وقت گذاشت و لایحه دولت منصور را مورد بررسی قرار داد و با وجودی که ۶۱ نماینده از ۱۲۶ نماینده حاضر در جلسه با آن مخالف بودند اما رای مثبت ۷۴ نماینده به لایحه در نهایت موجب تصویب آن شد.

خبر این اقدام مجلس بیست و یکم توسط یکی از اقوام محمدمهدی حاج ابراهیم عراقی ملقب به حاج مهدی عراقی عضو جمعیت فداییان اسلام به او داده شد و حاج مهدی نیز موضوع را با امام امت مطرح کرد. امام خمینی نیز از او خواست درباره جزئیات و صحت و سقم خبر تحقیق، سستی کند و مستندات، به دستش برساند.

حاج مهدی عراقی نفر اول سمت راست حاج مهدی عراقی نیز به کمک رابطش در مجلس شورای ملی رونوشت مذاکرات صحن علنی مجلس و اظهارات حسنعلی منصور نخست وزیر را به همراه جزئیات قانون مصوب مجلس برای امام آورد و ایشان نیز تهدید کردند در تاریخ چهارم آبان ۱۳۴۳ همزمان با چهل و پنجمین سالروز تولد محمدرضا شاه پیامی مکتوب خطاب به روحانیون و مردم صادر می کنند و پرده از این اقدام رژیم که در سکوت کامل خبری انجام شده بود، می اندازند.

امام امت در تاریخ چهارم آبان ۱۳۴۳ به وسیله نامه و پیک های متعدد به علمای شهرهای مختلف کشور آنان را در جریان اقدام رژیم قرار دادند. دربار پهلوی برای بازداشتن ایشان از انجام این تهدید، نماینده ای به قم فرستاد تا با ایشان ملاقات کند اما امام امت نماینده شاه را به حضور نپذیرفت. پیک نیز پیغام شاه را به آیت الله سید مصطفی خمینی فرزند بزرگ امام گفت اما امام خمینی به این پیام اعتنایی نکرد.

امام خمینی پیام شان را با چند سوال آغاز کردند و نوشتند: «آیا ملت ایران می داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ می داند بدون اطلاع ملت و به طور قاچاق چه جنایتی واقع شد؟ می داند مجلس، به پیشنهاد دولت، سند بردگی ملت ایران را امضا کرد، اقرار به مستعمره بودن ایران نمود؟ سند وحشی بودن ملت مسلمان را به امریکا داد؟ قلم سیاه کشید بر جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما؟ قلم سرخ کشید بر تمام لاف و گزافهای چندین ساله سران قوم؟ ایران را از عقب افتاده ترین ممالک دنیا پست تر کرد؟ اهانت به ارتش محترم ایران و صاحب منصبان و درجه داران نمود؟ حیثیت دادگاههای ایران را پایمال کرد؟ به ننگین ترین تصویبنامه دولت سابق، با پیشنهاد دولت حاضر، بدون اطلاع ملت، با چند ساعت صحبت های سرّی، رأی مثبت داد؟ ملت ایران را در تحت اسارت آمریکایی ها قرار داد؟

اکنون مستشاران نظامی و غیرنظامی آمریکا با جمیع خانواده و مستخدمین آنها آزادند هر جنایتی بکنند، هر خیانتی بکنند؛ پلیس ایران حق بازداشت آنها را ندارد. دادگاههای ایران حق رسیدگی ندارند. چرا؟ برای آنکه آمریکا مملکت دلار است و دولت ایران محتاج به دلار!

به حسب این رأی ننگین، اگر یک مستشار آمریکایی یا یک خادم مستشار آمریکایی به یکی از مراجع تقلید ایران، به یکی از افراد محترم ملت، به یکی از صاحب منصبان عالی رتبه ایران، هر جسارتی بکند، هر خیانتی بنماید، پلیس حق بازداشت او را ندارد.

محاكم ایران حق رسیدگی ندارد. ولی اگر به یک سگ آنها تعرضی بشود، پلیس باید دخالت کند؛ دادگاه باید رسیدگی نماید!»
امام امت همان روز در جمع روحانیون، طلاب، بازاریان، دانشگاهیان و اهالی قم و سایر شهرستانها نیز سخنرانی مفصلی انجام دادند.

سخنرانی امام با جمله «انا لله و انا الیه راجعون» آغاز شد و شدیدترین انتقادات را متوجه رژیم پهلوی و حامیان آمریکاییش کردند. ایشان در بخشی از سخنانشان گفتند: «من تأثرات قلبی خودم را نمی توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده ام خوابم کم شده است. ناراحت هستم. قلمم در فشار است. با تأثرات قلبی روزشماری می کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید. ایران دیگر عید ندارد. عید ایران را عزا کرده اند؛ عزا کردند و چراغانی کردند؛ عزا کردند و دسته جمعی رقصیدند.

ما را فروختند، استقلال ما را فروختند و باز هم چراغانی کردند؛ پایکوبی کردند. اگر من به جای اینها بودم این چراغانی ها را منع می کردم؛ می گفتم بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند؛ بالای سر خانه ها بزنند؛ چادر سیاه بالا ببرند. عزت ما پایکوب شد؛ عظمت ایران از بین رفت؛ عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند.

قانونی را به مجلس بردند، در آن قانون اول، ما را ملحق به پیمان وین و ثانیاً الحاق کردند به پیمان وین که تمام مستشاران نظامی با خانواده هایشان با کارمندهای فنی شان با هر کسی که بستگی دارند اینها، از هر جنایتی که در ایران بکنند، مصون هستند، پلیس ایران حق ندارد جلو او را بگیرد دادگاه های ایران حق ندارند، محاکمه بکنند. دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد.

اگر این مملکت در اشغال آمریکاست، چرا اینقدر عربده می کشید؟ چرا اینقدر دم از ترقی می زدید؟ ما این قانون واقع شده را قانون نمی دانیم، این مجلس را مجلس نمی دانیم، ما این دولت را دولت نمی دانیم. این ها خائند به مملکت ایران، خائندند.»

امام خمینی علاوه بر پیام و سخنرانی عمومی، علیه قانون کاپیتولاسیون اعلامیه صادر کردند و در آن نوشتند: «مجلس با تصویب این قانون، سند بردگی ملت ایران را امضا کرد و ملت ایران را تحت اسارت آمریکا قرار داد.»

مجموعه اقدامات و سخنرانی های امام امت از یک سو موجب همراه شدن بیشتر روحانیون و مردم با امام امت و از سوی دیگر موجب بالا گرفتن نارضایتی شاه و دربار از ایشان شد.

وقتی تحمل رژیم از حد گذشت، فرمان دستگیری و تبعید ایشان از کشور، صادر شد و سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) به ریاست سرلشکر حسن پاکروان که خود، حضور امام در کشور را بر ضد امنیت ملی و برای کشور خطرناک می دانست به همراه کماندوهای مسلح ارتش در سحرگاه روز چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ خانه امام در محله یخچال قاضی قم را محاصره کردند.

آنان برای جلوگیری از ایجاد سر و صدا و متوجه شدن مردم، امام را در سکوت سحرگاه سوار بر یک فولکس واگن خاموش کردند و با هل دادن ماشین تا میدان مقابل بیمارستان فاطمیه، امام را به نزدیکی بیمارستان محل بردند و سوار یک شورولت کردند و از آنجا مستقیم به فرودگاه مهرآباد تهران منتقل کردند.

ماموران رژیم یک ساعت و نیم بعد امام امت را سوار هواپیمای هرکولس سی ۱۳۰ کردند و هواپیما تهران را به مقصد آنکارا ترک کرد و ۳ ساعت و نیم بعد در ساعت ۱۱:۳۰ صبح روی باند آنکارا به زمین نشست.

ترکیه از سوی رژیم پهلوی به این دلیل بهترین کشور برای تبعید امام خمینی انتخاب شد که اولاً حکومت این کشور لائیک بود و دوماً امام با مصطفی کمال آتاتورک رهبر این کشور به دلیل دشمنی آشکار با اسلام، دشمن بود. از نظر رژیم پهلوی این دو دلیل مهم، توانست در محده کردن امام خمینه، به سخته، انداختن، ایشان در، اس، کشه، که هدف دنا، بمله ای، تعبد به، مهث باشد. دستگیری امام خمینی

خاطره امام

ماموران امنیتی داخل هواپیما، گذرنامه امام را تحویل ایشان دادند و به ایشان، گفتند. «شما به ترکیه تبعید می شوید و خانواده شما نیز بزودی به شما ملحق می شوند.»

امام خمینی بعدها در خاطره ای از این برخورد تعریف کردند: «وقتی در فرودگاه تهران، گذرنامه را دست من دادند به تاریخ صدور آن نگاه کردم، متوجه شدم در هفته های اول آزادی من از زندان و بازگشت به قم صادر شده است. فکر کردم که علت صدور گذرنامه در آن تاریخ چه می توانسته باشد؟

به نظرم رسید که سخنرانی من در مسجد اعظم قم در تاریخ ششم فروردین ۱۳۴۳، شاید موجب خشم و عصبانیت هیأت حاکمه شده باشد و از آن تاریخ تصمیم به تبعید من گرفته باشند.»

اطلاع عمومی

سازمان اطلاعات و امنیت کشور عصر روز ۱۳ آبان در اطلاعیه ای که در روزنامه های کثیرالانتشار چاپ کرد، نوشت: «طبق اطلاع موقتی و دلایل و شواهد کافی، چون رویه آقای خمینی و تحریکات مشارالیه بر علیه منافع ملت، امنیت، استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شد لذا در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۴۳ از ایران تبعید گردید.»

کاردار سفارت آمریکا در ایران در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۴۳ در نامه ای به یکی از دوستان ایرانییش نوشت: «وقایع اخیر موجب خشنودی من، شده است و به انجام تعانیستیم از، شد آن سمد که حوب لای حخ ما مه، گذاشت، احت شهنه.»
خانه محل اقامت امام خمینی (ره) در شهر بوسای ترکیه&irm;

تبعیدگاه سری

سازمان اطلاعات و امنیت ایران و ترکیه که از روزها قبل نقشه تبعید امام خمینی ترکیه را با یکدیگر مرور کرده بودند ماموران سازمان اطلاعات و امنیت ترکیه (میت) بعد از نشست هواپیمای ایشان روی باند فرودگاه آنکارا و برای مخفی نگه داشتن محل نگهداری ایشان ساعت ۱۴ روز پنج شنبه چهاردهم آبان ۱۳۴۳ امام را در حفاظت کامل امنیتی به طبقه هشتم یکی از ساختمان

های خیابان آتاتورک به نام Fotoete بردند و یک هفته بعد ساعت ۶ صبح روز پنجشنبه ۲۱ آبان به محل جدیدی در شهر بورسا در ۳۲۰ کیلومتری غرب آنکارا در نزدیکی دریای مرمره انتقال دادند.

امام پس از ورود به آنکارا در نامه ای به آقا سید مصطفی پس از سفارش خانواده به صبر و پرهیز از ناراحتی و فزع، از فرزند بزرگ شان خواستند وسایل شخصی، کتابهای مفاتیح الجنان، صحیفه سجاده، مکاسب و حواشی را نیز در سفر به ترکیه برای شان ببرند اما از آنجا که در شب تبعید امام به ترکیه، سید مصطفی نیز توسط مأموران ساواک دستگیر و زندانی شد، این اتفاق نیفتاد. ساواک به شرط پیوستن سید مصطفی به پدر، او را در آذر ۱۳۴۳ آزاد کرد اما سید مصطفی با وجود پذیرش اولیه به توصیه مادر از رفتن به ترکیه استنکاف کرد با این حال ساواک دست بردار نبود او را در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۴۳ دستگیر کرد و فردای روز دستگیری به بورسا تبعید کرد.

تالیف کتاب در ترکیه

امام طی ۱۱ ماه تبعید به ترکیه جلد اول کتاب «تحریرالوسیله» که مشتمل بر فتوایهای فقهی و احکام مربوط به جهاد و دفاع، امر به معروف و نهی از منکر و مسائل روز بود را نوشتند.

ایشان در مقدمه تحریرالوسیله نوشتند: «در گذشته کتاب وسیله النجاه تألیف سید الحجت فقیه اصفهانی قدس سره را حاشیه کردم و آنگاه که در اواخر ماه جمادی الثانی ۱۳۸۴ به دنبال حوادث دردناکی که بر اسلام و مسلمانان ها وارد آمد که شاید تاریخ آن را ثبت کند به بورسا (یکی از شهرهای ترکیه) تبعید شدم و در آنجا تحت نظر و مراقبت، فارغ البال بودم، در مقام برآمدم که آن حاشیه را به صورت متن مستقلی درآورم تا استفاده از آن آسان تر باشد و اگر خداوند به من توفیق داد مسائل مورد نیاز روز را نیز بر آن بیفزایم.»

گزارش ساواک

سرهنک افضلی، نماینده ساواک و مراقب امام در آنکارا دو روز بعد از تبعید امام به آنکارا در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۴۳ در گزارشی به ساواک تهران نوشت: «در اجرای امر، ساعت ۸ صبح چهارشنبه ۱۳ آبان به اتفاق شخص مورد نظر [به] وسیله هواپیما به طرف آنکارا پرواز نموده اولین صحبت ایشان خطاب به اینجانب در هواپیما این بود که «من برای دفاع از وطنم تبعید شدم.»

پس از سه ساعت و ۲۰ دقیقه پرواز در فرودگاه آنکارا پیاده شدیم و در سالن فرودگاه یکی از مأمورین امنیتی ترکیه جلو آمده پس از بیان نام اینجانب و معرفی خود به نام مأمور، ابتدا به زبان ترکی بعد به زبان آلمانی صحبت نمود. در فاصله کوتاهی به اتفاق شخص مورد نظر و مأمور معرفی شده با اتومبیل پس از طی ۲۵ کیلومتر به آنکارا رسیده مستقیماً به هتل ... که قبلاً اعلام شده بود، مستقر شدیم.

پس از ۲۴ ساعت توقف چون محل استقرار مشکوک به نظر می رسید، طبق طرح قبلی به وسیله مأمورین ابتدا محل دیگری انتخاب شد سپس ... بعدازظهر پنجشنبه ۱۴ آبان به وقت آنکارا با مراقبت کامل [به] وسیله دو مأمور ترک به محل جدید طبقه ۸ واقع در خیابانی که اسم آن را نمی دانم منتقل گردید، وسایل استراحت کاملاً مهیاست و نسبت به مکان اول دارای حفاظت بیشتری است، روحیه شخص مورد نظر نسبت به روز اول بهتر است و در محل جدید برنامه روزانه اش بیشتر استراحت و تلاوت قرآن و ادا نماز و صرف غذا است.

گاه گاهی کلمات ترکی یادداشت می نماید ولی نباید وی را تنها گذاشت به علت کنجکاوی جراید ترکیه و خبر منتشر شده از رادیوی ایران و انتشار خبری دیگری در روزنامه مورخه ۵ نوامبر ... در نظر است تا چند روز دیگر به بورسا یکی از شهرهای ترکیه که در ۳۲۰ کیلومتری غرب آنکارا می باشد، منتقل گردد و جریان کتباً تقدیم خواهد شد.

برابر تصمیم ساعت ۶ صبح روز پنجشنبه شخص نامبرده به شهر بورسا اعزام و اینجانب هم در معیت نامبرده خواهم بود. مستدعی است ادامه مأموریت اینجانب را در شهر بورسا اعلام فرمایید.»

این مأمور ساواک در ترکیه در گزارشی که در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۴۳ به تهران مخابره کرد، نوشت: «بعدازظهر پنجشنبه ۲۱ آبان به اتفاق شخص مزبور وارد شهر بورسا که در نزدیکی دریای مرمره می باشد گردیده و پس از استقرار در محلی که قبلاً تهیه شده بود نامبرده در اختیار مأموران ماخ قرار گرفت. مستدعی است در مورد حرکت اینجانب به تهران نظریه امروز ابلاغ فرمایند. ضمناً مأمور ماخ فارسی نمی داند.

... به علت یک نواخت بودن لباس روحانیون در ترکیه به نامبرده توصیه گردید در صورتی می تواند در شهر گردش کند که مانند آنان لباس و کلاه مربوط استفاده نمایند مشارالیه ابتدا ناراضی بود... د. ضمناً بنا به تقاضای وی از ساعت ۱۳ بعدازظهر به وقت آنکارا به مدت ۵۰ دقیقه با اتومبیل به اتفاق اینجانب و دو مأمور از آنکارا دیدن نمود، روحیه اش خوب است. در طول روز یک ساعت به

نهیشت. کلمات ترکی، مشغول است.»
امام خمینی در مرکز تصویر- ترکیه

پوشش امام در بورسا

پوشش رهبر نهضت اسلامی ایران در بورسای ترکیه همانند روحانیون سنی ترک، پالتو و شلوار و کلاه اسپانیایی که چیزی شبیه عرقچین بود. مأموران میت و ساواک تنها زمانی اجازه استفاده از لباس روحانیت شیعی را به امام خمینی دادند که با نمایندگان مراجع تقلید که از ایران به ترکیه سفر کرد، ملاقات داشتند.

اولین دیدار رسمی

اولین دیدار امام امت در بورسای ترکیه با حجت الاسلام والمسلمین سید فضل الله خوانساری داماد آیت الله سید احمد خوانساری نماینده مراجع تقلید بود که در ۲۹ آذر ۱۳۴۳ یعنی ۴۵ روز بعد از تبعید امام به ترکیه انجام شد.

پیشنهاد علمای تهران برای این دیدار، آیت الله سید مرتضی پسندیده برادر بزرگتر امام بود اما مقامات ساواک با آن مخالفت کردند

و علمای تهران مجبور شدند داماد آیت الله سید احمد خوانساری را به عنوان نماینده خود راهی ترکیه کنند. دیدار امام با نماینده علمای ایران در یک هفته و طی سه نوبت و در حضور نمایندگان ساواک و میت انجام شد. یک هفته بعد از برگشت نماینده علمای تهران به بورسا، آیت الله سید مصطفی خمینی در تهران دستگیر و نزد پدر به بورسا، تبعید شد.

منابع:

ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۷

صحیفه امام، جلد یک، صص ۴۰۹ و ۴۱۶

بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۰۵۵ و ج ۲، ص ۱۲۷ و ۱۵۹

اسدالهی، مسعود، احیای کاپیتولاسیون و پیامدهای آن، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی تهران، ۱۳۷۳، صص ۸۸-۹۲